

## پای صمیمت بانوی راننده بین جاده‌ای:

# به همه ثابت کردم می‌توانم

هدی رضوانی

مصاحبه

حالا حتی ماشین سنگین را از نزدیک هم ندیده بودم. یک خاطره هم از آن زمان دارم. با گریه و زاری رضایت همسر اولم را برای آزمون پایه یک گرفتم. یک شب مغازه همسرم بودم که یک ماشین سنگین توقف کرد. چراغ جلویش مشکل پیدا کرده بود. من در کار فنی ماشین هم خیلی وارد هستم. به آن راننده کمک کردم و چراغ ماشینش را درست کردیم. همین اتفاق بهانه‌ای شد تا رضایت همسرم را برای شرکت در آزمون پایه یک جلب کنم.

**بالاخره پایه یک را گرفتید؟**

بله، ولی به سختی. فکر می‌کردم مثل پایه دو خودشان ماشین دارند برای آزمون، ولی گفتند باید خودت بیاوری. من هم دسترسی به هیچ ماشین سنگینی نداشتم. یاد می‌آید جلوی تله کابین رامسر توقف کردم و زدم زیر گریه که ماشین از کجا بیاورم برای تمرین؟ یک تانکر حمل بنزین داشت رد می‌شد. نگاه داشت ببیند مشکل من چیست که گریه می‌کنم. از آن‌ها پرسیدم چه جوری پایه یک گرفتند و از آن‌ها کمک خواستم. فکر کردند اگر من داخل ماشین را ببینم می‌ترسم و منصرف می‌شوم. ولی من غرق ذوق بودم که اولین بار پشت فرمان ماشین سنگین نشستم. توضیحاتی به من دادند و گفتند می‌توانی ماشین را حرکت بدهی؟ من هم گفتم بله. دوتا بریدگی را رفتم و دور زدم و آمدم کنار ماشین خودم پاک کردم. باورشان نمی‌شد من اولین بار است پشت فرمان می‌نشینم. فکر می‌کردند گواهینامه پایه یک دارم و آن‌ها را دست‌انداختم. همان شد که به من کمک کردند تا تمرین کنم و پایه یک بگیرم. من به دلیل علاقه به رانندگی ماشین سنگین همیشه برنامه «جاده‌های مرگ‌بار» را نگاه می‌کردم که در آن ماشین سنگین می‌رانند. از روی همان برنامه یاد گرفته بودم بدون این که پشت ماشین سنگین بنشینم آن را برانم. خوشبختانه در همان آزمون اول موفق شدم پایه یک بگیرم بدون این که هزینه‌ای کرده باشم. آقایانی بودند که چند میلیون هزینه کرده بودند و چند بار هم رد شده بودند. همیشه با خودم می‌گفتم من می‌توانم و باید گواهی‌نامه پایه یک بگیرم.

مسئول آزمون گواهینامه به من می‌گفت در ۱۵ سال کارم کسی مثل شما ندیدم. چه کار کردید که قبول شدید! من حتی شب‌ها در خواب هم تمرین رانندگی می‌کردم. بعد هم پایه یک هوشمند گرفتم. روز آزمون، یکی از شرکت‌کننده‌ها که راننده نیسان بود می‌گفت «همه از ما راننده‌های نیسان می‌ترسند و ما از راننده‌های زن جماعت می‌ترسیم» من اولین زن ایرانی هستم که گواهینامه رانندگی ماشین ۹۶ تن باری را دارم.

**چه شد راننده خط اصفهان-بندرعباس شدید؟**

من پنج سال راننده شرکت نفت بودم. چند سال هم ترانزیت خارج از کشور را انجام می‌دادم. همسرم اروپا ماندگار شد و من مجبور

شاید در ذهن اکثر افراد جامعه انجام کارهای سخت و سنگین صرفاً مردانه باشد و اگر خانمی بخواهد وارد این حوزه‌ها شود یا با تمسخر افراد روبه‌رو شود یا با مانع‌هایی که بر سر راهش قرار می‌دهند. اما طاهره شیخان این موانع را پشت سر گذاشته و نشان داده‌است که برای بانوان هیچ محدودیتی وجود ندارد و برای انجام هر کاری خانم‌ها هم می‌توانند همپای آقایان وارد عمل شوند. وی متولد ۱۳۵۴ لاهیجان و راننده اتوبوس خط اصفهان-بندرعباس است که فعل «شدن» را به معنای واقعی صرف کرده‌است. گفت‌وگوی خواندنی نگین با این بانوی توانمند را از نظر می‌گذرانید.

**چه شد به سراغ رانندگی بین جاده رفتید؟**

از بچگی برخلاف سایر دخترها به جای علاقه به عروسک، عاشق ماشین بودم. همیشه دست به تایر ماشین‌های سنگین که گوشه خیابان پارک بودند می‌کشیدم. درست نمی‌دانم چرا این شغل برایم مهم بود ولی مطمئنم علاقه‌ام بیش از اندازه است، به طوری که اگر اکنون یک روز در خانه بمانم واقعاً دلم برای ماشین و جاده تنگ می‌شود. عشق به رانندگی بین جاده از همان کودکی در وجود من ریشه داشت.

**در خانواده شما کسی سابقه چنین شغلی را دارد؟**

خیر. هیچ کدام از فامیل ما سراغ چنین شغلی نرفتند. هیچکدام حتی ماشین سنگین هم ندارند. من هم که پایه یک گرفتم اطرافیان پیشنهاد می‌کردند خط ترانزیت خارج از ایران کار کنم چون در شمال ما اصلاً چنین چیزی وجود ندارد و کسی مالک ماشین سنگین نیست. این علاقه در ذات من وجود داشت و پیشینه خانوادگی ندارد.

**آیا در کودکی خود را پشت فرمان اتوبوس تصور می‌کردید؟**

در نزدیکی ما ماشین سنگین نبود که پشت آن بنشینم ولی از زمانی که خودم را می‌شناختم همیشه نگاهم به آقایانی بود که پشت فرمان ماشین سنگین بودند. همه به بچه‌ها می‌گویند ان شاء... در آینده خانم یا آقای دکتر بشوی. ولی من همیشه با خودم می‌گفتم یعنی می‌شود یک روزی من هم مثل راننده‌های ماشین سنگین بشوم؟ گواهی‌نامه پایه دو را هم همان دور اول قبول شدم از بس که علاقه به این حرفه داشتم و تصمیم جدی گرفتم که گواهینامه پایه یک را هم بگیرم و به طور جدی رانندگی ماشین‌های سنگین را تجربه کنم.

**آیا این توانایی را در خود می‌دیدید که راننده ماشین سنگین شوید؟ از**

**انجام آن ترسی نداشتید؟**

من وقتی برای پایه یک اقدام کردم عاشق ماشین یخچالی و ترانزیت بودم و اصلاً به اتوبوس فکر نمی‌کردم. اما همه هدفم این بود که پشت ماشین سنگین بنشینم. هیچ ترسی نداشتم ولی هنگام آزمون پایه یک خیلی اذیت شدم. بین ۱۵۰ متقاضی، فقط من خانم بودم که تا